

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۱۶ نومبر ۲۰۲۲



یونس نگاه

آزادی‌های اجتماعی و علم پادزهر گرسنگی

خبرهای چاپ پول افغانی، تسریع انتقال بسته‌های هفتگی دالر، افزایش عواید مواد مخدر و بالا رفتن درآمد شاروالی‌ها و گمرکات با هشدارهای تازه از افزایش گرسنگی، در حدی که زندگی میلیون‌ها انسان را با خطر روبه رو ساخته، همراه شده است. نهادهای بین‌المللی ارقام و اعداد ترسناک از تعداد گرسنگان نشر می‌کنند. بازرس ویژه امریکا در امور بازسازی افغانستان (سیگار) اعلام کرده است که به‌طور تخمینی نزدیک به ۱۹ میلیون انسان در افغانستان با تهدید گرسنگی مواجه اند. تصاویر و خبرهایی که روزانه از زندگی مردم در شهرها و روستاها نشر می‌شود نیز بیانگر بحران شدید انسانی است. اکثر خانواده‌ها نمی‌توانند سه وعده نان خشک و چای در دسترخوان داشته باشند.

آن طرف، در اداره طالبان گروه کوچکی از زورمندان و بستگان‌شان احساس پیشرفت و فراوانی می‌کنند. بندل‌های دالر را می‌شمارند، گراف عواید گمرکات را تعقیب می‌کنند، نرخ مالیات را افزایش می‌دهند و از دکاندار، کراچی‌وان و غرفه‌دار مبالغی را جمع‌آوری می‌کنند. برخی از آنان عواید میلیونی دارند و از فروش مواد معدنی، اخادی، قاچاق و مواد مخدر سرمایه می‌اندوزند، خانه‌های تازه می‌خرند، زنان چندم می‌گیرند و محافل مجلل برگزار می‌کنند.

اگر طالبان به فرض محال، از حیفومیل آن مبالغ دست بردارند، باز هم تغییری در وضعیت معیشتی مردم نخواهد آمد؛ زیرا که این گروه لوکوموتیف رفاه را خاموش کرده است. جامعه بسته، بدون تحرک و مواجه با انبوه فیدهای سیاسی نمی‌تواند ظرفیت‌های درونی‌اش را بپروراند، ابتکار به خرج دهد، امید داشته باشد و سرمایه‌گذاری کند. این چنین جامعه، به دهان‌های بلعنده‌ای تقلیل می‌یابد که اگر مبالغ هنگفت نیز در آن تزریق شود، انکشاف اقتصادی و رفاه بار نمی‌آید، بلکه در بهترین حال، گرسنگی را چند صباح به تعویق می‌اندازد.

کسانی از میان طالبان در میزهای گرد ادعا دارند که آزادی با رفاه رابطه ندارد و از چین چون کشور تک‌حزبی و غیردمکراتیکی که رشد اقتصادی کم‌نظیر را تجربه کرده است، مثال آورده، استدلال می‌کنند که گویا افغانستان نیز می‌تواند زیر رهبری غیرانتخابی و نظام استبدادی طالب به رشد اقتصادی، ثبات سیاسی و اقتدار نظامی دست یابد. آنان

نمی‌دانند که رشد اقتصادی چین محصول آزادی‌های اجتماعی و فرهنگی آن کشور است. حزب کمونیست چین بعد از جنگ جهانی دوم، سال‌ها در برابر محدودیت‌های اجتماعی که مانع تحرک جامعه می‌شد، از جمله محدودیت‌های فرهنگی علیه زنان و تقدیرگرایی مبارزه کرد و پوستین کهنه سنت را که اکنون گروه طالبان می‌کوشد ترمیم کرده به تن جامعه ما بدهد، با بی‌رحمی درید و در نو کردن جامعه به اقداماتی دست زد که برخی تاریخ‌نگاران آن را افراطی می‌خوانند. حاکمان چین دانش بشری و تجربه را مهم‌ترین ابزار پیشرفت و ارتقای جامعه اعلام کردند و تعلیم و تحصیل را تنها حق نه، بلکه مسؤلیت اجتماعی خواندند. از این‌رو، پیشرفت اقتصادی چین و رفاه مردم آن کشور نتیجه استبداد نیست، بلکه محصول آزادی‌های اجتماعی است. قدرت چین از تقدیرگرایی و ماسالاری آب نمی‌خورد، بلکه میوه تجربه‌گرایی و ارج‌گذاری به مکتب و دانشگاه است. چینی‌ها نیز فقیر، دچار تشنج‌های داخلی، در معرض تجاوزات خارجی و گرفتار سنت‌های دست‌وپاگیر بودند. آنان از طریق دشمنی با زنان، لگدمال‌نهادهای تعلیمی و تحمیل تیوکراسی از شر آن تشنج‌ها، تجاوزات و گرفتاری‌ها نجات نیافتند، بلکه با آگاهی از ظرفیت‌های آدمی برای تغییر محیط و علم‌باوری توانستند حتا در سایه استبداد سیاسی یکی از معجزه‌های تاریخ بشر را در عرصه علم و اقتصاد رقم زنند.

بدون علم‌باوری و در نبود آزادی‌های اجتماعی، تأمین رفاه و در نتیجه صلح و ثبات میسر نخواهد بود. هنوز دیده نشده است که کشوری با دعا، تقدیرگرایی و علم‌سنیزی از گرسنگی نجات یافته و صاحب اقتدار شده باشد؛ اما بسیار دیده شده است که علم‌باوری و آزادی‌های اجتماعی حتا در نبود آزادی‌های سیاسی و فقدان حکومت انتخابی، باعث فراوانی و رشد اقتصادی شود.